

ز دعوی کم کن و بر مطلب افزا

یادداشتی بر "یادداشت نخست" در باستان پژوهی ۱۵.

عمران گاراژیان^۱

زمینه

شده در زمینه باستان‌شناسی محسوس بودی‌اس و سرخوردگی بود که ترم بالایی‌ها همراه با پیشنهاد تغییر رشته و رفتن از این رشته به ما، یا عمومیت ندهم به من منتقل می‌کردند. چه بسا که بعضی از ما به ویژه خانم‌ها (خواهران دانشجو) که آن زمان از نظر کمی در مجموعه باستان‌شناسی در اقلیت بودند و به جای آموزش عملی کاوش "دوره کارآموزی در موزه" را می‌گذرانند تحت تأثیر زمینه (به قول عوام جوگیر شده) از تحصیل باستان‌شناسی صرف نظر می‌کردند. در سال ۷۰ ده‌ها سال بود که پروژه‌های کاوش باستان‌شناختی در سازمان میراث فرهنگی تعطیل بود و یکی از تنها کاوش‌های آن سال‌ها کاوش‌های آموزشی دانشگاه تهران در دشت قزوین بود. آن چه به اختصار اشاره کردم، شرایط زمینه در باستان‌شناسی سال‌های یادشده بود. به نظر می‌رسد شرایط زمینه برای تازه واردها به باستان‌شناسی یأس آور بود. مگر نه!

اکنون که این نوشته را در اوایل تابستان ۱۳۸۶ می‌نویسم، دقیقاً مشخص نیست که سردبیر یا شورای سردبیری باستان پژوهی در شماره آینده چه کسی یا کسانی هستند. هم چنین قابل پیش بینی نیست که شماره آینده چه زمانی منتشر خواهد شد. اما از نظر نویسنده، این اطمینان وجود دارد که شماره آینده منتشر خواهد شد و چون چنین است سردبیر یا شورای سردبیری هم خواهد داشت، در نتیجه مطلب را به گونه ای مدیریت می‌کنم که هر وقت شماره آینده منتشر شد و هر که سردبیر بود دانشجویان باستان‌شناسی این نوشته را در اختیار داشته باشند. یادآوری می‌کنم که آن چه به عنوان زمینه نوشته‌ام و خود "زمینه" واقعیت‌هایی در نسبت‌های مشخص با هم در این زمان و مکان معین هستند!

اسلاید اول: پیش از تاریخ باستان پژوهی

سال‌های ۶۹-۷۰ نویسنده دانشجوی "ترم اولی" باستان‌شناسی بود. آن چه در قدم اول برای ما به عنوان واقعیت‌های تازه وارد

اسلاید دوم: آغاز تاریخ هسته‌ی علمی و باستان

پژوهی

پنج سال نخست دهه هفتاد به نظر راوی که در آن زمان پیشینه‌ای کمتر از سه ترم تحصیل باستان‌شناسی در آغاز آن دوره در کارنامه خود دارد، بارقه‌هایی از امید در باستان‌شناسی پس از انقلاب اسلامی پدیدار شد. در همان سال‌ها بود که به صورت انگشت شمار کاوش‌های باستان‌شناسی از سرگرفته شد. نخستین گردهمایی باستان‌شناسی ایران پس از انقلاب اسلامی که ۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۳ در شهر شوش برگزار شد از شواهد این بارقه‌ها در زمینه باستان‌شناسی ایران است (نک به یاد نامه گردهمایی باستان‌شناسی - شوش، میراث فرهنگی ۱۳۷۶). هسته‌ی علمی دانشجویان باستان‌شناسی نیز در سال‌های آغاز دهه هفتاد با تکاپوی دانشجویان ورودی ۱۳۶۸ فعال شد. این که در همان سال‌ها تأسیس شده یا نه نویسنده این نوشته نمی‌داند. اکثر گروهی که آن سال‌ها در هسته فعال بودند در این زمان در دانشگاه‌ها و میراث فرهنگی و... فعالیت دارند و البته مرجع موثق تری نسبت به نویسنده اند؛ گرچه ممکن است بی طرف تر از نویسنده نباشند!

یادم نمی‌رود که در زمستان ۱۳۷۶ زمانی که برای گفتگو بایکی از اساتید باستان‌شناسی راهی شده بودیم، همراهانم نسخه‌ای شامل بیش از ده برگ A۴ به هم سنجاق شده را نشان دادند که امروزه آن را به عنوان شماره نخست "باستان‌پژوهی" می‌شناسیم. یادآور می‌شوم که آن‌ها در هسته و در باستان‌پژوهی آن زمان فعالیت داشتند اما نویسنده همیشه به دو پدیده یاد شده نگاه از بیرونی داشته است نه از درونی؛ ذکر بی طرفی در پایان پاراگراف پیش، مرتبط با این موقعیت راوی است.

بست دم چلچله‌ای: سال ۱۳۷۶ از این نظر که مقالات گردهمایی شوش پس از سه سال منتشر شد و باستان‌پژوهی نیز پی افکنده شده در زمینه باستان‌شناسی پس از انقلاب و در موضوع انتشارات نشانه‌های جدیدی نسبت به گذشته محسوب می‌شود. راوی با موقعیتی از بیرونی و براساس حافظه این مطالب را نوشته؛ امید است کسی بر مبنای اسناد مکتوب یا با دیدی بطور توانم از دورتی و از بیرونی رویدادها را روایت کند.

اسلاید سوم: هسته و باستان‌پژوهی، تداوم آونگی

با محوریت افراد و پشتیبانی جهاد

در شماره‌های یک تا هفت، باستان‌پژوهی به همت دانشجویان به سردبیری شهرام زارع منتشر می‌شد. برای هسته‌ی علمی و دانشجویان باستان‌شناسی چه از نظر مطلب و چه از نظر پشتیبانی مالی و حمایت‌هایی مانند تایپ و تکثیر این پدیده بدون تلاش و همت چند نفر علاقه مند که وقت و توان قابل توجه برای آن می‌گذاشتند جامه عمل نمی‌پوشید. اگر وقفه‌های گاه و بیگاه در انتشار آن مشاهده می‌شود احتمالاً ناشی از توان، اراده و مسائل جانبی مرتب بر هسته و همان چند نفر است. برای نشریه‌ی دانشجویی آن هم در زمینه‌ی ای مانند باستان‌شناسی ایران باستان‌پژوهی نماینده و معرف مناسبی به شمار می‌آید. برای این که کلی گویی نکرده باشم چند مدخل را می‌گشایم: ۱) دانشجویی یعنی زمینه‌ای که عاملان و فاعلان آن دوره‌ای هستند. در زمینه دوره‌ی ای، تداوم بیش از طول متوسط یک دوره یعنی تلاش و علاقه‌ای فراتر از معمول. نشریه دانشجویی یعنی فعالیتی جنبی که دست اندرکاران آن این شغل، پیشه یا فعالیت اصلی شان نیست. دغدغه اصلی آن تحصیل، معیشت و ... است. ۲) باستان‌شناسی ایران از نظر راوی یعنی دانشی وارداتی که در زمینه‌ی وارد شده، بومی نشده و ارتباط با اجزا و لایه‌های گوناگون جامعه برقرار نکرده است. زمینه جامعه ایران زمینه‌ای در حال گذار به توسعه یافته گی است. جامعه‌ی ای که تحت تأثیر مستقیم تحولات دانش‌ها و فن آوری در مناطق دیگر جهان (جهان اول) است. پدیده‌های نوین مرتب به آن وارد می‌شوند و هنوز هضم نشده اند پدیده‌ی ای دیگر از راه می‌رسد. موقعیت بیشتر عاملان در چنین زمینه‌ی ای "دویدن نااندیشیده" به سوی مقصدی است که مرتب در حال تغییر است؛ یا بریدن و انزوا طلبیدن. به اختصار "دویدن و هرگز نرسیدن" یا "بریدن و فروافتادن" البته این دو حد ایده آلی برای بیان واقعیت‌هایی با طیف‌های متکثر از این دو حالت است. در چنین زمینه‌ی ای و دانشجویی در دانشی که بیشتر به رمزگشایی گذشته با اتکا بر شواهد مادی و ساختارهای آن، منابع مکتوب و هنر به عنوان منابع فرعی و کنترلی مانند است؛ سرگردان نشدن و ادامه دادن کافی است تا چه رسد به این که نشریه‌ی دانشجویی هم برقرار

صورت می‌گردد نیز منتشر شود هم چنین موضوعات گفتگو در هر شماره برای شماره آینده اعلام شود. انتشار نشریه متناسب با تقویم دانشگاهی منظم شود. برای مثال در اواسط هر ترم تحصیلی یک شماره منتشر شود. به طور کلی بصورت یک گام به جلو باستان پژوهی اضافه بر عرصه ای برای تمرین نوشتن عرصه ای برای تبادل نظر، کار گروهی و تمرین برای هم اندیشی و نقد و ارزیابی و دوری از فردگرایی و فرد محوری و پیمودن راه به سوی فعالیت نهادینه و در چارچوب قواعد تعیین شده باشد. باستان شناسی ایران سرشار از فعالیت‌های فردی حتی در مواردی فراتر از توان یک فرد، شخص محوری، سابقه گرایی و جولان گزاره‌های شخصی به جای هم اندیشی و خط مشی گذاری گروهی است. حتی افرادی برداشت‌های شخصی شان را اصل دانش می‌پندارند و افراد دیگری تاختن بدون مبنا و معیار را نقد معرفی می‌کنند. اکثرا هم نیازی برای مشاوره و تبادل نظر احساس نمی‌کنند در نتیجه از سطح و حد توان یک فرد پافراتر نمی‌توانیم بنهیم. امید است زمینه برای تمرین و پوشش دادن کمبودهای گذشته فراهم شود.

کنی! برگردم به همین نشریه دانشجویی. هدف گذاری بلند مدت، چارچوب‌هایی که موقعیت افرادی که در بلند مدت و طی دوره‌ها وارد و خارج می‌شوند؛ تعیین نسبت‌ها برای مثال با گروه آموزشی و جهاد دانشگاهی در دراز مدت تامین کننده تداوم خواهد بود. در نبود چنین راه کارهای کاربردی و در عین حال کوشش و تلاش همراه با علاقه و دلبستگی صرفا به وسیله افراد نه حتی به صورت کار گروهی وابستگی‌هایی پدید می‌آورد که فردی هستند و در "یادداشت نخست" نمونه‌هایی از آن مشاهده می‌شود. در عین حال به نظر می‌رسد اگر فردی افرادی برنامه ای برای بهره برداری مثبت از پیشینه کارهای فرهنگی خود را دارند می‌توان حتی زمینه آن را فراهم کرد. بدین صورت انگیزه‌هایی برای نسل آینده و فعالیت شان فراهم می‌شود. اما آن چه مشکل ساز شده و می‌شود فعالیت‌های خودجوش بدون قاعده و نهاد است.

پیشنهادات

پیشنهاد می‌شود هسته ی علمی فعالیت‌ها در ارتباط با باستان پژوهی را با مشارکت دانشجویان باستان شناسی سازماندهی و نهادینه کند؛ اول آن که با هماهنگی جهاد دانشگاهی یا از طریق پرداخت اعضا و حمایت‌های دیگر منابع مالی نشریه تضمین شود. به صورتی که بتوان برای آن برنامه منظم تنظیم کرد. هیئت تحریریه اضافه بر سردبیر برای آن تعیین شود. می‌توان از قواعد کلی آموزشی برای هیئت تحریریه و عضویت در آن کمک گرفت برای مثال اعضای هیئت تحریریه حداقل دانشجوی کارشناسی ارشد و بالاتر از آن و دارای دو مقاله منتشر شده باشند. با دفاع از پایان نامه به طور خودکار اعضای هیئت تحریریه از هیئت بیرون روند. مقالات داوری شوند و داوران به پیشنهاد سردبیر و تأیید هیئت تحریریه انتخاب شوند. ساختار مشخصی برای هر شماره تعیین شود. مثلا در هر شماره اضافه بر مقالات، گفتگوهایی به

